تصویر شبهه ششم و شمول روایت ابن خالد نسبت به آن

اما آن چه که من میخواستم عرض کنم چه بود؟ آن را با یک سؤال میگویم. در جلسه قبل هم از آن صحبت شد. میخواهم عرض کنم اینکه امام جواب فرمودند «لاتصومن الشک» میتواند برای قم که خود هیئی میگویند هلال ندارد، سیاه شعبان قم را مشمول روایت ابن خالد کند؟ یعنی امام فرمودند «و اما فلا علة و لا شبهة»، روایت یقطینی که میگوید ما در بغداد نداریم اما در آفریقا میبینند پس در روایت ابن خالد فرمودند «لا شبهة». امام میگویند من که گفتم «لاشبهة». قول خود هیئی در آفریقا برای شما در بغداد هم ایجاد شبهه میکند. پس سیاه بغداد هم برای شما سوم الشک بالفعل هست. لذا شما میتوانید استحباباً روزه بگیرید. این هست یا نیست؟ سؤال من این بود.

آن چه که در تقویتش میخواهم بهعنوان مثال عرض کنم این است: فرض میگیریم مصر با بغداد و مدینه یک راه روشنی دارد. مسافتش هم روشن است. در آن زمان بریدی بوده. بریدی پستچی بوده است. اسبهای تیزرویی بوده که مدام اسبها را عوض میکردند. چون اسم وقتی مسافتی را میرود نفس میبرد. لذا اسبی را سوار میشد و به سرعت به محل دیگری میرفت، تا جایی که اسب توان داشت. در آن جا اسب دیگری بود که این اسب را میگذاشت تا استراحت کند و بعد اسب بعدی را سوار میشد. به سرعت میرفت. نامههایی را که حساسیت داشت و مهم بود با این سرعت میبردند. خب سؤال من این است: روی آن تأمل کنید تا ببینیم که جوابش چه میشود. اگر در این روایت یقطینی که حضرت فرمودند «لاتصومن الشک»، کسی که نامه را نوشته بگوید ایابن رسول الله، بریدی در مصر است. خودش با چشم خودش هلال را دید. اما باید نامهای را به بغداد ای مدینه بیاورد. لذا با اینکه در مصر دید سوار اسب شد و به مدینه ای بغداد آمد، حُسّاب گفتند در مدینه ای بغداد نمیتوانید هلال را ببینید. مردم بغداد هم ندیدهاند. با اینکه هوا صاف بود اما ندیدند. عین فرض سؤال است. ولی اینکه گفتهاند در آفریقا میتوانید ببینید، این پست چی خودش دید. عین حرف حُسّاب برای او تبدیل به «صم لرؤیته و افطر لرؤیته». سؤال ما این است: اگر از امام بپرسیم شما فرمودید «لاتصومن الشک»، این بریدی چه کار کند؟ وقتی در آفریقا بود خودش با چشم خودش حرف حساب را دید، اما به بغداد آمده که در آن جا نه مردم بغداد هلال را دیدهاند و نه حُسّاب میگویند که هلال دارد، حال او باید چه کار کند؟ «لاتصومن الشک»، برای این بریدی شک هست یا نیست؟

شاگرد: هست.

استاد: چرا شک هست؟ با اینکه با چشم خودش هلال را دید.

شاگرد:....

استاد: حضرت فرمودند «لاتصومن الشک»، «صم لرویته».

شاگرد: شک او از ناحیه شبهه حکمیه بود.

استاد: اگر شبهه حکمیه بود که امام جواب او را میداد.

شاگرد: شما در صلات چه میگویید؟

استاد: در صلات فروض متعددی دارد. مثلاً کسی در جایی بود و به جایی رسید که الآن ظهر است. نمازِ ظهر باید بخواند یا نخواند؟ دو فرض دارد. یک وقتی درجایی‌که قبلاً بود زوال شده بود و نمازش را خوانده و حال به جایی میآید که زوال دوم است. در اینجا میگویند چون اجماع داریم که در یک روز دو نماز نباید بخواند، میگویند نخواند. فرض دیگر این است که نماز نخوانده است. به جایی آمده که الآن وقت زوال است. حال بر او نماز ظهر واجب است یا نه؟ میگوییم اینجا را ملاحظه بکن. خب اگر قبلاً خوانده باشد یا حتی بعداً میخواهد به جای دیگری برود و بخواند، این برای او ممکن است؟ در نماز سه-چهار فرض دارد. اما چون بحث صوم، تکموردی است روشنتر است. نماز سنگینتر است. البته مانعی ندارد که اینها را تطبیق بدهیم ولی فعلاً سؤال من این است: روی آن تأمل کنید.

شاگرد: برای من یقینی بود که شما در فرض نماز شبهه کردید.

> 39:58

استاد: بله، تفاوت دارد. قیاس نماز با اینجا مع الفوارق است یا مع الفارق است. ولی اصل عرض من تأمل روی اینها است. شما ببینید ارتکازاً با استظهاری که از «لاتصومن الشک» میکنید، همانطور که عرض کردم امام علیه‌السلام در جواب سؤال او - هل یختلف فرض الامصار؟ - میتوانستند بهراحتی بفرمایند: نعم یختلف فرض الامصار. جواب این بردی هم خیلی روشن بود. بردی که از آن جا آمده خب تو او را در مصر دیده‌ای. تو که الآن در آن جا نیستی. به بغداد آمده‌ای که بلدی است که رؤیت نداشته است. پس نسبت به تو، فرض الامصار یختلف. شما که به این مصر آمده‌ای فرض توی بردی در مثل بغداد عدم الصوم است. اگر اینطور فرموده بودند خیلی روشن بود؛ نعم یختلف فرض الامصار؛ جواب مطابق سؤال بود. چرا حضرت جواب او را با یک نعم یا جواب ندادند و فرمودند «لاتصومن الشک»؟ این بردی باید چه کار کند و حال آنکه با چشم خودش در آفریقا هلال را دیده است؟ میگوید من خودم دیدم حال که به اینجا آمدم باید چه کار کنم؟ حضرت فرمودند «لاتصومن الشک»، کجا شک است؟ او که از آن چه که حساب میگویند سؤال کرد، گفتند با شک نگیر. الآن که من هلال را دیده‌ام اگر روزه بگیرم با شک میگیرم؟! شبهه حکمیه را هم که امام فرمودند «لاتصومن الشک»، «صم لرؤیته». رؤیت هم که در اینجا محقق است. «صم لرؤیته و افطر لرؤیته»، برای این بردی که با چشم خودش هلال را دیده «صم لرؤیته» هست یا نیست؟ یا شک است؟ برای او که «لرؤیته» است. در اینجا چه کار کنیم؟

شاگرد: اول باید سؤال کنیم که او مسافر هست یا نه.

استاد: چون کثیر السفر است باید روزه بگیرد. یعنی هر کجا باشد ولو بین راه باشد باید روزه بگیرد. شما موید شدید.

شاگرد: شاید هم خسته بوده و سؤالی برایش پیش نمی آمده.

استاد: بله! سوالش را مدرسه مطرح می‌کنیم. شنیدی گفته بود اگر استاد سرش را تکان داد. گفته بود چطور می‌فهمی؟ گفت خب مثل مدرسه رفته بود. جواب معروفی است. حالا اگر او خودش خسته بود ما از حال او سوالش را مدرسه مطرح می‌کنیم! علی ای حال کسی که از حال او مطلع است می‌آید و می‌پرسد. حالا وظیفه او چیست تا بعد به او خبر بدهد.

انشاءالله فردا روایت ابن خالد در شبهات هفتم و هشتم مطرح می‌شود. شبهات هفتم و هشتم، شبهاتی است که وقت غروب بالفعل نیست، با این که گفتیم روایت ابن خالد سوم الشک بالفعل را می‌گوید. دو شبهه داریم که وقت غروب شک بالفعل نیست اما با نصف روز یا یک روز بالفعل می‌شود. فرض اول این بود که اصلاً بالفعل نمی‌شود و تنها امکانش است. این دو شبهه در تطوق و رؤیت قبل از زوال است که انشاءالله فردا بحث می‌کنیم. پس دو مورد دیگر محل شبهه داریم که شبیه شرط متأخر است. شرط متأخر بعد از آن می‌آید. در اینجا هم الآن شک بالفعل نیست؛ یعنی سیام شعبان شک بالفعل ندارید اما فردا شب یا فردا صبح تازه امری حادث می‌شود که یشکّکنان. این شک بالفعل هست یا نه؟

شاگرد: روایتی هست که سال دویست و سی و دو است، من تطبیق دادم و دیدم در سوم الشک آن روز هلال رؤیت‌پذیر بوده است. هم طبق یالوپ و هم عوده بررسی کردم.

استاد: در اسئلة حول رؤیت الهلال این روایت را آورده‌اند. این روایت را می‌آورند. در آن جا هم نگاه کنید. ایشان هم می‌خواهند از این روایت چنین استفاده‌ای را بکنند. ایشان همان سال را بحث کرده‌اند و می‌گویند آن سال چه روزی بوده است. در تقویم‌ها هم که نشان می‌دهد.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 28 مه 2026 12:51:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 مه 2026 12:53:02 توسط ... .